سخن مدیر مسئول

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. قانون تعادل میان عرضه و تقاضا، در بازار تولید و مصرف فرآورده‌های مادّی، کاربرد گسترده دارد. براساس آن، اگر تقاضا بر عرضه فزونی گیرد، تشنگی نسبت به آن کالا پدید می‌آید. و اگر عرضه بیش از تقاضا باشد، اشباع بازار ـ و در نتیجه کاهش بهای آن کالا تا رسیدن به حدّ تعادل ـ پیش می‌آید.

فرآورده‌های فرهنگی، از برخی جهات به کالاهای مادّی شباهت دارند. از جمله در قانون یاد شده. براساس آن، اگر تقاضای یک فرآورده فرهنگی بیشتر از عرضهٔ آن باشد، عطش نسبت به آن پدید می‌آید که رواج فرآورده‌های شبه فرهنگی سطحی، نازل و مبتذل، پی‌آمدِ آن است.

از سوی دیگر، اگر عرضهٔ یک فرآوردهٔ فرهنگی بیش از تقاضای آن باشد، نسبت به آن اشباع کاذب پدید می‌آید و حاصل زحمات فکری و اجراییِ فراوان، بی‌ثمر یا کم‌ثمر می‌ماند.

۲. در زمانی که عرضه بر تقاضا فزونی گیرد، در بازار کالای مادّی راهکارهایی در پیش می‌گیرند، ازجمله:

الف ـ گاهی نیاز کاذب در افراد پدید می‌آورند. رواج گستردهٔ برنامه‌های تبلیغات بازرگانی در سطح جهان و در پیِ آن، گسترش شتابندهٔ موج مصرف‌گرایی نتیجهٔ آن است.

ب ـ و گاه، افراد را به نیاز واقعی خود نسبت به آن کالا واقف می‌کنند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.2.6]

فرهنگ‌سازی نسبت به کالاها و برنامه‌های مربوط به حفظ محیط زیست، نمونهٔ این اقدام است.

۳. به نظر می‌رسد در بازار فرآورده‌های فکری ـ فرهنگی مربوط به قرآن، در جامعهٔ ما، همین آفت (افزایش عرضه بر تقاضا) رخ نموده است، که در پیِ آن، اشباع کاذب نسبت به این مطالب پدید آمده است. نتیجهٔ این عرضهٔ بی‌تقاضا ـ یا دست‌کم، عرضهٔ افزون بر تقاضا ـ آن است که دست‌کم بخشی از فضای فرهنگی به انباری از منابعِ بی‌مصرف تبدیل شده که کمتر تمایل به استفاده از آن وجود دارد. در نتیجه، ما با یک بایگانیِ راکد روبرو شده‌ایم که نهایت کاربرد آن، نمایش آماری و صرف بودجه‌ها و نیروها است.

به این واقعیت، این نکته را بیفزاییم که در فضای رقابت فرهنگی، با فرآورده‌های فرهنگی مربوط به موضوع‌های دیگر مواجه می‌شویم که تقاضای روزافزون آن را به چشم می‌بینیم و اگر منصف باشیم، به آن اذعان می‌کنیم.

۴. کارنامهٔ ما، در زمینهٔ تولید فرآورده‌های فرهنگی مربوط به قرآن، از جهت کمّی پربار است. کافی است نظری بیفکنیم بر: ده‌ها عنوان مجله و نشریهٔ تخصّصی و عمومی، صدها عنوان مقاله و کتاب در سطوح مختلف، صدها ساعت برنامهٔ رادیویی و تلویزیونی قرآنی، پایگاه‌های اینترنتی، برنامه‌های حفظ و ترتیل و تجوید، چاپ و نشر قرآن با ترجمه و بدون آن به شکل‌های منتخب و کامل، نشر تفاسیر در شمارگان گسترده، برنامه‌های آموزشی رسمی از پیش‌دبستانی تا دانشگاهی، برنامه‌های آموزشی غیررسمی و مراکز غیردولتی و...

امّا در این میان، جای یک نقشه جامع راهبردی خالی است یا دست‌کم، ما از آن بی‌خبریم. یکی از دلایل آن، این است که هر فرد حقیقی و حقوقی به تولید فرآورده‌های قرآنی (آموزش و نشر و تبلیغ) اندیشیده، در حدّ صلاحدید خود که حدّاکثر با کارشناسی محدود همراه بوده است.

عرضهٔ افزون بر تقاضا، سبب شده تا همزمان با این گسترش کلّی برنامه‌های

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.2.6]

قرآنی، شاهد گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی در سطوح مختلف باشیم.

چرا؟ نه مگر سخن از همان قرآن است که امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام در وصف آن می‌فرماید: چراغ‌های آن خاموش نمی‌شود، دریایی که به ژرفای آن نمی‌توان رسید، راهی آشکار که گم نمی‌شود، شعاع نوری که تاریک نگردد، بیانگری که ارکانش ویران نگردد، درمانی که پس از آن ترس از بیماری نیست، معدن و گنج ایمان است، چشمه‌های علم و دریای آن است و...[1]

پس چرا در جوار آن، چنان پدیده‌های نامطلوبی می‌بینیم؟ بار دیگر به مطالب بندهای ۱ تا ۳ بنگریم و میان دو راه (نیاز کاذب و فرهنگ‌سازی)، راه دوم را برگزینیم. این کار، خود به برنامه‌هایی کارشناسانه و درازمدّت نیاز دارد.

۵. پیش‌نیاز هر برنامه‌ای از این دست، آسیب‌شناسی عواملِ مولّد چگونگیِ یاد شده است. البتّه شمارش این عوامل، در مجال کوتاه این گفتار نمی‌گنجد. ولی پیشنهاد می‌شود که هر سازمان و مرکز قرآنی، از چند دیدگاه در برنامهٔ خود بازنگری کند:

یکم ـ پرداختن افراطی به حواشی (مانند کارهای هنری سمعی و بصری در مورد قرآن یا افراط در پژوهش‌های علوم قرآنی) و غفلت از متن قرآن یا کم‌توجّهی به آن (معارف و درون‌مایهٔ کتاب خدا). این‌گونه افراط و تفریط‌ها، نوعی چهره‌نگاریِ قرآن به سبک کاریکاتور است که به هر دلیل ـ سهو یا عمد ـ روی می‌دهد.

دوم ـ بی‌خبری از دو مطلب: الف. مبانی اصل هدایت قرآنی، ب. ویژگی‌های فرهنگی «دیگران». پی‌آمدِ این بی‌خبری، افتادن در دام چاله‌های تشکیک است که آن «دیگران» (به ویژه خاورشناسان) می‌خواهند که ما را در آن بیندازند. تفصیل این اجمال، مجالی دیگر می‌طلبد.

---

۱. بنگرید: مقالهٔ «قرآن از زبان امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام» در سفینهٔ شمارهٔ ۱۷.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.2.6]

سوم ـ عدم توجّه به آیاتی همچون «**اتأمرون بالبرّ و تنسون انفسکم و انتم تتلون الکتاب**» (بقره (۲) / ۴۴) و «**کبر مقتاً عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون**» (صف (۶۱) / ۳). نتیجهٔ این مطلب، اکتفا و دلخوشی به آموخته‌ها و دانستنی‌های پراکنده است و غفلت از این نکته که در وصف رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «**کان خلقه القرآن**» (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۶، ص ۳۴۰).

بدیهی است که سلوکِ مسلکِ پیامبر و قرآن، اصالت دادن به عمل است تا داعیانِ دین، مردم را به آن، فقط به زبان عمل فراخوانند. پی‌آمدهای گریز از این سلوک، نیاز به توضیح ندارد.

چهارم ـ کمیت‌زدگی و عدم توجّه به کیفیت و آثار برنامه‌های قرآنی، آفت دیگری است بر این شجرهٔ طیبه. با این که در کتاب خدا خوانده‌ایم که در وصف حالت مسلمانان در غزوهٔ احد فرمود: «**فلم تغن عنکم کثرتکم شیئا**» (توبه (۹) / ۲۵)، ولی ما، چه درصدی از همّ و غمّ خود را در جهت کمیت به کار می‌گیریم و چه بخشی از آن را برای کیفیت و اثرسنجی؟

پنجم ـ بی‌خبری ـ یا کم‌خبری ـ از دنیای جدید و ملزومات و پیامدهای فرهنگی تحوّلات پرشتابِ فن‌آوری. برای ما که از امام صادق علیه السلام خوانده‌ایم: «**العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس**»؛ (کافی، ج ۱، ص ۲۶) انتظار می‌رود که به لایهٔ پنهانِ تطوّرهای علمیِ جهانی توجّه کنیم و آثار فرهنگیِ مثبت و منفی آنها را در نظر آوریم، و به این نکته توجه کنیم که در کشورهای توسعه یافته ـ که مهد این تحوّلات است ـ دربارهٔ این آثار و پی‌آمدها، پژوهش‌های زیاد و عمیقی به سامان آمده که فقط بخشی از آنها ترجمه شده است. آشنایی با آن مباحث برای متولّیان امور دینی ضرورت دارد تا در برنامه‌ریزی‌های خود بدان عنایت کنند.

ششم ـ میزان توجه به گروه‌های مختلف مخاطبان و نشناختن ویژگی‌های آنها به شیوهٔ علمی، تعیین‌کننده است. نتیجهٔ این امر، نوشتن کتاب برای پژوهشگران است به زبان عموم مردم، و نشر آثار برای کودکان است به زبان کهنسالان. آیا مخاطبانِ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.2.6]

فرضی به آن آثار چه اندازه علاقه نشان می‌دهند؟ آیا درست است که در تحلیل پدیده کم‌توجهی به آنها، سخن از بی‌توفیقیِ آنان به میان آوریم یا دست کم، از کاهش میزان مطالعه سخن گوییم؟

واقع این است که مطالعات علمی امروز، نه تنها ویژگی‌های فرهنگی ـ روان‌شناختیِ گروه‌های مختلف مخاطبان، بلکه حتّی واژگان مناسب آنان را نیز معیّن کرده است. و یکی از رموز مقبولیّت آثار «دیگران»، توجّه به همین نکته است.

هفتم ـ نسبت به اصل قرآنیِ **«تعاونوا علی البرّ و التقوی»** چه اندازه توجّه داریم؟ باید پذیرفت که وقتی این توجه کم‌رنگ شود، تک‌روی و موازی کاری به اوج خود می‌رسد و هرکسی به خودش یا سازمان و مؤسسه‌اش می‌اندیشد، نه به نتیجهٔ کار جمعی که به دست مردم می‌رسد. در نتیجه، مردم در نگاهی به خروجیِ مراکز قرآنی، مجموعه‌ای می‌بینند که از سازگاری و یکدستیِ مناسب برخوردار نیست.

در حالی که امروز، به کمک ابزارهای ارتباطی، حتّی با مراکز کشورهای دور، به راحتی می‌توان ارتباط پیوسته و روزآمد داشت.

هشتم ـ رقابت‌ها و امتیازهای مادّی که در این‌گونه برنامه‌های معنوی مطرح می‌شود، باید وسیله بمانند نه هدف. اگر این مقدمه به «ذی المقدّمه» تبدیل شود، «درمان» خود، دردی دیگر می‌شود. آنگاه است که:

از قضا سرکنگبین صفرا فزود　　روغن بادام، خشکی می‌نمود

از یاد نبریم که امتیازهای مادّی در نخستین روز، فقط جنبهٔ تشویقی داشت برای گسترشِ فضای معنوی، و نه بیشتر.

در یک نگاه، تمام این عوامل را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد:

غفلت از همراهیِ عترت با قرآن، که الگوهای عملی صحیح و معصوم را از کتاب خدا، جدا می‌سازد.

۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله در کلامی جاودانه، از امّت شِکوه می‌کند که چرا از قرآن روی گردانده‌اند: **«و قال الرسول یا ربّ انّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجوراً»** (فرقان (۲۵) /

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.2.6]

۳۰). این‌گونه گرد مهجوریت بر چنین نامهٔ نامور الهی نشاندن، در حالی است که امروزه، دنیای خسته از سلطهٔ دانشِ بدون منش و علمِ بی‌اخلاق، به دین روی آورده است و درمان دردهایش را در دین می‌جوید. کارنامهٔ ما، در عرضهٔ دین صحیح ـ به ویژه در مقام عمل ـ و معرفی آن به جهان به شیوهٔ روزآمد، چگونه است؟ چگونه می‌خواهیم نعمتِ اسلام و ایمان و هدایت به کتاب الله را شکرگزاریم و از کیفرِ کفرانِ آن در امان بمانیم؟

امامان معصوم علیهم‌السلام به ما آموخته‌اند که کارهای خود در بارگاه الهی را همواره کوچک و مختصر بدانیم، گرچه در نظر خودمان بلند و مهمّ جلوه کند.

امام کاظم علیه‌السلام به راوی تعلیم می‌کند که این دعا را زیاد بخواند: «**اللهم لاتجعلنی من المعارین و لا تخرجنی من التقصیر**» (کافی، ج ۲، ص ۷۳)

به راستی، کیست که بتواند حقّ این همه نعمتِ خداوندی را ـ که همچون بارانِ ریزان، پیوسته و بی‌گسست، بر سر ما می‌بارد ـ ادا کند؟

بنده همان بِه که ز تقصیر خویش — عذر به درگاه خدای آورد
ور نه سزاوار خداوندی‌اش — کس نتواندکه به جای آورد

۷. در این میان، بزرگترین نعمت، نعمتِ وجودِ بزرگترین مخلوق و والاترین بنده، امام عصر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است که امروز تالیِ قرآن است و فردا احیاگر آن. در آستان بلندِ او، هر همّتی کوتاه است و در پیشگاه احسانِ دریابارش، هر شکری قاصر.

این همه، در جایی است که کاری انجام دهیم، و درست به سامان آوریم، و به کیفیت بیندیشیم. اگر آن هم نباشد، روسیاهی مضاعف می‌شود. و مبادکه در برابر آن امام همام، گرفتار چنین شرمساری شویم.

دستِ خدایی آن حجّت حقّ، از سرِ ما برکنار مباد. و سایهٔ همایونِ آن همای رحمت، همچنان بر فرد فرد و جامعهٔ ما مستدام باد. آمین.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.2.6]